

فرورفت و با جنایی شدن پرونده، علیرضا که ادعا می کرد بیماری اعصاب و روان دارد به پزشکی قانونی منتقل شد.

حکم قصاص

علیرضا سعی داشت با تظاهر به بیماری اعصاب و روان از حکم اعدام فرار کند اما پزشکی قانونی بیان کرد با توجه به این که علیرضا نقشه قبلی و باهوشیاری کامل دست به این جنایت زده است بیماری وی مورد قبول نیست. بدین ترتیب قضات دادگاه، علیرضا را در ماجرای قتل همسرش به اعدام و در ماجرای مرگ پسرش به پنج سال زندان محکوم کردند.

بخشش پای چوبه دار

خانواده علیرضا بارها برای گرفتن رضایت به سراغ خانواده نرگس رفتند اما نتیجه ای نداشت تا این که روز اجرای حکم نزدیک شد و علیرضا روز شنبه برای آخرین بار خانواده اش را در زندان ملاقات کرد. سحرگاه دوشنبه ۲۴ تیرماه خانواده نرگس برای اجرای حکم به زندان رفتند و علیرضا از سلول زندان به محوطه حیاط زندان منتقل شد. مادر نرگس قبل از اجرای حکم دو شرط برای بخشیدن قاتل فرزند و نوه اش ارائه کرد که نخستین شرط این بود که هیچ یک از اعضای خانواده علیرضا و خودش حق خاسپاری کسی از اعضای خانواده شان در قبر نوه اش را ندارند و دومین شرط این که خانواده علیرضا از کرج مهاجرت کنند و به شهر دیگری بروند. این دو شرط اعلام شد و خانواده علیرضا تنها شرط اول را پذیرفتند و درباره مهاجرت گفتند که نمی توانند از کرج به شهر دیگری بروند. همین کافی بود تا دستور اجرای حکم صادر شود، مادر نرگس پای چوبه دار رفت و طناب دار را به گردن دامادش انداخت و سپس حکم صادر شده خوانده دستور اجرای حکم صادر شد که در این صحنه علیرضا از ترس خودش را خیس کرد و همین کافی بود تا پدر نرگس به سمت چوبه دار برود و طناب را از دور گردن قاتل دختر و نوه اش باز کند.

به سراغ مواد مخدر برود مرا طلاق می دهد. نرگس افزود: علیرضا با بیرون آمدن از کمپ دوباره شروع به مصرف مواد مخدر شیشه کرد و روز ۱۳ فروردین بود که از او خواستم با توجه به قول و تعهدی که داده از هم جدا شویم و مرا به خانه پدری ام ببرد اما بهانه آورد و ادعا کرد که دوروز دیگر که قصد دارد به دندان پزشکی بروم مرا به خانه پدرم می راند.

روز آخر

نرگس در حالی که روی تخت بیمارستان تحت نظر قرار داشت به ماموران گفت: سوار بر ماشین علیرضا در مسیر دندان پزشکی بودیم که ناگهان علیرضا گفت که دندانش دردمی کند و یک روز دیگر به دندان پزشکی می رود که به منطقه مهدی آباد رفته و علیرضا ماشین را به صورتی در کنار یک ستون پارک کرد که من نمی توانستم در خودرو را باز کنم او ناگهان از پشت صندلی من یک بطری بیرون کشید و خودش از ماشین پیاده شد و مایع داخل بطری را که بنزین بود روی من و پسرمر ریخت. وی افزود: ابتدا فکر می کردم علیرضا شوخی می کند که ناگهان فندک را روشن کرد و داخل خودرو انداخت که ناگهان همه جا را آتش فرا گرفت. از ترس این که پسرم آسیب نبیند او را زیر صندلی بردم و با جیب و فریاد از مردم کمک خواستم. زن جوان گفت: دیدم که علیرضا به خانواده اش زنگ زد و به خانواده اش گفت که نرگس و امیرعلی را آتش زد. همان لحظه مردم به کمک آمدند و با هر سختی که بود مرا از خودرو بیرون کشیدند و روی یک سنگ انداختند که بعد از پزشکان شنیدم که به کرم آسیب جدی رسیده است.

دستگیری مرد همسرکش

تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این که بعد از یک هفته علیرضا دستگیر شد و در همان ابتدا به آتش زدن همسر و فرزندش با نقشه قبلی اعتراف کرد. در حالی که مرد جوان به آتش زدن خانواده اش اعتراف کرده بود، نرگس بعد از ۳۶ روز روی تخت بیمارستان به کام مرگ



داماد جنایتکار خیلی وحشت کرده بود

جزئیات عجیب ترین بخشش قاتل از طناب دار

تحلیل کارشناس

بخشش یک سرمایه اجتماعی است



دکتر رضا احمدی روان شناس و استاد دانشگاه مقوله بخشش در جامعه به نوعی اخلاق اجتماعی را گسترش می دهد و سبب کاهش استرس و اضطراب در جامعه می شود. وقتی افراد یک جامعه به بخشیدن یکدیگر آگاه باشند در میان اقشار مختلف جامعه نوعی همدلی و گرایش به محبت و روزی شکل می گیرد و افراد می آموزند که چگونه در حق یکدیگر این مقوله معنوی ارزشمند را رعایت کنند. بخشیدن با بخشش سبب پایین آمدن بسیاری از حوادث در جامعه می شود و از بروز اتفاقات ناگوار می مانند جنایت، قتل و... پیشگیری می کند. متأسفانه کاهش معنویت گرای در جامعه سبب شده است تا مقوله بخشش کمتر نگ شود و به همین دلیل شاهد وقوع اتفاقات ناگوار و چون قتل هستیم. در آموزه های دینی بر بخشش تأکید زیادی شده است و در تحلیل و بررسی برخی پرونده های قتل دیده می شود بخشش چه تاثیرات فرهنگی و اجتماعی بر جامعه می گذارد. بخشش به نوعی سرمایه اجتماعی برای یک جامعه به شمار می رود که کرامت انسانی را تقویت می کند و سبب ترویج اخلاق فردی و اجتماعی می شود انسان ها با یکدیگر انس بیشتری می گیرند و روحیه نشاط و شادی در جامعه شکل می گیرد. البته بخشش افراد خطا کار باید با لحاظ شخصیت مجرم و امکان اصلاح وی صورت گیرد.

زن جوان و پسر بچه خیلی زود به بیمارستان منتقل شدند و تلاش پزشکان برای نجات جان این مادر و پسر ادامه داشت اما با گذشت

سه روز امیرعلی روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد. تحقیقات پلیسی کلید زده شد و ماموران به سراغ مادر امیرعلی که روی تخت بیمارستان بود، رفتند و در حالی که این مادر از مرگ پسرش بی اطلاع بود فاش کرد که شوهرش عامل این آتش سوزی هولناک بود. نرگس به ماموران گفت: علیرضا ابتدا در نقش یک کارخانه دار و ورز شکار با من طرح دوستی ریخت و بعد از جلب اعتماد و ابراز علاقه به خواستگاری ام آمد و در حالی که خانواده ام مخالفت می کردند من تصمیم گرفتم با علیرضا ازدواج کنم و وی افزود: شاید باور نکند اما مجبور به دست فروشی و ضایعات جمع کردن شدم و علیرضا به دلیل اعتیاد و خانواده اش مرا به باد کتک می گرفتند. قصد داشتم طلاق بگیرم اما از تهدیدهای شوهرم می ترسیدم تا این که چپه دار شدم و پسرم به دنیا آمد. زن جوان ادامه داد: فکر می کردم بعد از دنیا آمدن پسر، زندگی خوبی شروع می شود اما بدرقاری های شوهرم تمامی نداشت و این بار وقتی پیشنهاد جدایی دادم، شنیدم که پسر مرا از من می گیرند، به همین دلیل ساکت شدم تا این که اسفند سال ۹۱ علیرضا برای ترک مواد مخدر به کمپ ترک اعتیاد رفت. وی گفت: در این مدت کار می کردم و هزینه علیرضا در کمپ ترک اعتیاد را پرداخت کردم تا این که از کمپ با من تماس گرفتند و شنیدم که علیرضا مواد را ترک کرده است به همین دلیل به آن جا رفتم تا با رضایت من او از کمپ خارج شود که همان جا از علیرضا خواستم تا به من دست نوشته ای بدهد و امضا کند که اگر بعد از خارج شدن از کمپ دوباره

اتفاقی عجیب در صحنه اعدام یک مرد که زن و پسرش را به قتل رسانده بود، جان او را نجات داد.

آشنایی شوم

سال ۹۰، نرگس به طور اتفاقی با پسر جوانی به نام علیرضا که خود را کارخانه دار معرفی می کرد، آشنا شد. علیرضا که نقشه پزدازی کرده بود خیلی زود ماجرای خواستگاری و ازدواج را پیش روی دختر جوان گذاشت و نرگس که به او علاقه مند شده بود ماجرای خواستگاری را برای خانواده اش مطرح کرد. پسر جوان همراه خانواده اش به خانه نرگس رفتند و علیرضا در مراسم خواستگاری با این که در گذشته به دختر مورد علاقه اش گفته بود که شنبه دار است؛ برای کامل شدن پازل داستان سرایی اش ادعا کرد که رزمی کار است و یک باشگاه ورزشی نیز دارد. علیرضا فکر می کرد با این داستان سرایی ها می تواند رضایت خانواده نرگس را بگیرد اما مادر نرگس پس از رفتن خواستگار دخترش، جواب منفی را اعلام کرد. این در حالی بود که نرگس اصرار داشت که با علیرضا ازدواج کند اما مخالفت ها ادامه داشت تا این که خانواده نرگس با اصرار های دخترشان پذیرفتند تا نرگس و علیرضا با هم ازدواج کنند. مراسم عقد برگزار شد و از فردای آن روز نرگس بدون این که مراسم جشن عروسی برگزار شود همراه علیرضا به خانه پدری او رفتند و زندگی جدیدشان را شروع کردند و این در حالی بود که نرگس جوان وقتی پای در خانه جدیدش گذاشت متوجه دروغ های علیرضا شد.

روزی ۱۵ فروردین سال ۹۲ بود که حادثه آتش سوزی یک خودرو در منطقه مهدی آباد شهر کرج مخایر شد که خیلی زود تیم امدادی در محل حاضر و موفق به مهار آتش خودرو شدند و این در حالی بود زن جوان و یک پسر بچه به شدت سوخته و قبل از حضور ماموران از خودرو بیرون کشیده شده بودند.

قاتلی که آزاد شده بود دوباره جنایت کرد!



قربان زاده و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد.

در دادگاه

در ابتدای این جلسه پدر و مادر امیر برای قاتل پسرشان حکم قصاص خواستند. سپس سعید به دفاع پرداخت و گفت: آن شب به جشن عروسی یکی از اقوام دعوت شده بودم. بعد از پایان جشن عروسی به پیشنهاد یکی از دوستانم مشروب خوردم و مست شدم. حال طبیعی نداشتم که وارد حیاط تالار شدم. در حیاط مقتول بابکی از دوستانش ایستاده بود. او به من خیره شد و مرا مسخره کرد. من هم در اوج مستی به رویش چاقو کشیدم و بعد از تخریب خودرویی که در همان حوالی بود یک ضربه به سینه امیر زدم. وی درباره جنایتی که قبلار متکب شده و با رضایت اولیای دم از قصاص رهایی یافته بود نیز گفت: دو سال قبل از قتل امیر در درگیری با یکی از بچه محل ها در خیابان بی سیم دست به چاقو بردم و یکی از دوستانم را کشتم. بنابه این گزارش، در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و دیروز سعید را به قصاص محکوم کردند.

قاتل خشن وقتی از قصاص بخشیده شد با آزادی از زندان باز دست به جنایت زد.

جنایت در عروسی

شامگاه یکم اردیبهشت سال ۹۶ به ماموران کلانتری ۱۵۸ بی سیم خبر رسید درگیری در یک جشن عروسی به خون کشیده شده و یکی از مهمانان به نام امیر با ضربه چاقو به سینه اش به شدت زخمی و به بیمارستان منتقل شده است. ماموران راهی بیمارستان شدند و در تحقیقات دریافتند مهمان جنایتکار عروسی یک مرد ۳۵ ساله به نام سعید است که بلافاصله از محل گریخته است.

باز داشت قاتل

با گذشت ۱۱ روز از این جنایت سعید بازداشت شد و در این بین از بیمارستان خبر رسید امیر به دلیل شدت خونریزی و عفونت ناشی از چاقو خوردگی جان سپرده است. با مرگ امیر پرونده وارد مرحله جنایی شد و کارآگاهان در تحقیقات پلیسی دریافتند سعید یک مجرم سابقه دار است و مدتی قبل به خاطر قتل بازداشت شده بود اما توانسته با جلب رضایت اولیای دم از قصاص رهایی یابد و از زندان آزاد شود.

اعتراف

سعید در بازجویی ه قاتل را گردن گرفت. وی به اتهام قتل، عریده کشی، چاقو کشی، تخریب خودروی پارک شده در جشن عروسی و ایجاد رعب و وحشت در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی

بازداشت زن تهرانی در سرقت از خانه های لاکچری



راشناسایی کنند و همین کافی بود تا او نزد همسر و بچه هایش دستگیر شود. گفت و گو با ثریا را در شماره بعد بخوانید.

فیلم سیاه از یک زن در پاتوق افیونی

ماه گل بعد از شنیدن شکایات مشابه توسط زنان گفت: من زندگی خوبی داشتم. همسر مرد مهربانی بود، پدرم جواهر فروش و دو خواهرم استاد دانشگاه و گوینده هستند. هیچ مشکلی نداشتم تا این که معتاد شدم و در پاتوق معتادان به دام کثیفی افتادم که با بی هوش کردن من فیلم سیاه تهیه شد.

وی ادامه داد: همین فیلم سیاه می توانست زندگی من و شوهرم را خراب کند. در دو معتاد با همین فیلم شروع به باجگیری کردند و من برای حفظ آبرویم دزدی می کردم تا حق السکوت بدهم.

وی در پایان گفت: حالا تقاضای بخشش دارم و می خواهم آزاد شوم تا بر سر مزار همسرم که فوت کرده است بروم و از او طلب بخشش کنم.

زن جوان که به تازگی از زندان آزاد شده بود دست به سرقت های سریالی زد. از دو ماه پیش پرونده سرقت های مشابهی توسط یک زن خدمتکار از خانه های لاکچری تهرانی پیش روی ماموران کلانتری یوسف آباد قرار گرفت. پلیس در بررسی های تخصصی پی برد که در همه سرقت ها زنی به نام ثریا که آگهی نظافت در اینترنت داشت وقتی برای نظافت به خانه های اعیانی می رفت دست به سرقت های طلایی می زد. یک فیلم نشان می داد ثریا در خانه ها به سراغ اتاق خواب می رفت و طلاها و محتویات گاو صندوق ها را به سرقت می برد. بعد از آخرین سرقت که گوشی همراه یک شرکت خصوصی بود ماموران توانستند خانه ثریا

زن جوان که به خاطر آدم ربایی پای میز محاکمه ایستاده بود، پرده از سر نوشت شوم خود برداشت. ماه گل ۴۳ ساله متهم به دو فقره سرقت و آدم ربایی به شیوه بی هوش کردن زنان در اواخر سال ۹۶ و اوایل سال ۹۷ است. دیروز در ابتدای جلسه در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران، یکی از آنان به نام مریم گفت: من یک ماه قبل از این ماجرا در پارک با ماه گل آشنا شده بودم. او به خانه مان رفت و آمد داشت. آخرین بار وقتی به خانه مان آمد و فهمید سر در دارم به من قرصی داد که بعد از خوردن آن بی هوش شدم. وقتی به هوش آمدم که متوجه شدم ماه گل همه طلاهایی را که در خانه داشتم، سرقت کرده است.

سرنخ گم شدن ۲ دختر گنبدی در پایتخت



شهرک غرب تهران، اطلاعاتی مبنی بر مشاهده شدن دو دختر نوجوان در کارگاهی واقع در شهرک غرب داد.

وی ادامه داد: ماموران کلانتری سریع خودشان را به کارگاه رسانده بودند اما متأسفانه خبری از این دو دختر نبود. مرد افغانی هم که اتهامات چندانی علیه او نبود نیز فعلا تحت نظر است. خیلی زود مشخص شد دو دختر نوجوان همان نرگس و فاطمه هستند که با رسیدن پلیس به کارگاه پا به فرار گذاشته اند.

تجسس در تهران

مادر نرگس که از نگرانی صدایش می لرزید، گفت: با توجه به این که دختر من و دوستش در تهران دیده شده بودند با دستور قاضی گنبدی پرونده در اختیار ماموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است اما هنوز هیچ سرنخ دیگری به دست نیامده و نگران دخترانمان هستیم.

بنابه این گزارش، پلیس در تعقیب این دختران گمشده گنبدی در تهران است و کسانی که اطلاعاتی از نرگس و فاطمه دارند می توانند با پلیس آگاهی تهران تماس بگیرند.



تولید کننده انواع: مبل استیل، مبل راحتی، سرویس غذاخوری، سرویس خواب

✓ اقساط تا ۱۲ ماه ✓ تا ۳۰ درصد تخفیف
☎ ۹۵ ۶ ۹۵ ۹۵ ۹۱۵ ☎ کیلومتر ۳ جاده کلات سمت چپ

@GALLERYMOBLEBESAT_BENCHMOBLIYA